

شعر دفاع مقدس

دکتر خدیجه حاجیان

دکتر حیات عامری

چکیده

هدف این پژوهش طبقه‌بندی واژگان شعر دفاع مقدس در یکی از محورهای موضوعی (جاندار، شناخت، رخداد، بدن، مکان، زمان، ماده (شئ) احساس و...) اصلی است. برای این طبقه‌بندی به تناسب پیکره مورد بررسی و بر اساس الگوی شبکه‌وارژگانی دانشگاه پرینستون برای اسم چهارده موضوع یا حوزه معنایی اصلی بالا را برگزیده و اسم‌های موجود در پیکره را بر اساس این چهارده موضوع، تقسیم‌بندی معنایی نمودیم. به عبارت دیگر، الگوی تحلیل و طبقه‌بندی ما در پژوهش حاضر، متشکل از چهارده محور معنایی است که در آن واژگان مختلف عینی و انتزاعی در قالب آن‌ها طبقه‌بندی شده‌اند. معیارهای اختصاص دادن هر واژه به هر یک از این چهارده محور، عبارت از هم‌معنایی و ارتباط معنایی بوده است. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی است. نمونه آماری از پیکره جامعه شاعران شعر دفاع مقدس و پیکره اصلی اشعار کتاب «گزیده شعر جنگ و دفاع مقدس» اثر حسن حسینی است. از میان این اشعار بیست قطعه شعر، که از نظر حجم تقریباً هم‌اندازه بودند، به طور تصادفی، انتخاب شدند. نتایج بررسی نشان داد که از میان محورهای چهارده‌گانه مورد نظر، بیشتر واژه‌ها به محورهای «مفاهیم شناختی»، «رخداد»، «دین» و «احساس» و «ماده»، تعلق دارند.

واژگان کلیدی: شعر دفاع مقدس، حوزه معنایی، هم‌معنایی، ارتباط معنایی، مفاهیم شناختی

۱- مقدمه و بیان مسأله

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، زمینه‌ساز تحقیقات و پژوهش‌های ادبی بسیاری گردید و بررسی و مطالعه ادبیات آن می‌تواند تا حد زیادی فرهنگ، ساختار روان‌شناختی و عقاید دینی و ملی مردم ایران را در سالهای جنگ و پس از آن منعکس کند.

ادبیات دفاع مقدس به مجموعه نوشته‌ها و سروده‌هایی گفته می‌شود که درون مایه و موضوع آن، به مسائل هشت سال دفاع مقدس و پیامدها و تبعات آن باز می‌گردد. در نگاهی وسیع‌تر می‌توان طیفی گسترده‌تر و جغرافیایی فراخ‌تر برای این عنوان تصور کرد و با تکیه بر ویژگی‌های مقدس بودن که تداعی قلمرو الهی و دینی برای این نوشته‌ها و سروده‌ها می‌کند. (سنگری، ج ۳، ص ۱۵)

مجموعه سروده‌هایی را که در قالب‌های گوناگون اعم از سنتی و نو- نیمایی و سپید- شکل گرفته‌اند و درونمایه اصلی آن‌ها تشویق و تکریم «دوست» و تحقیر و تهدید «دشمن» و تقویت روحیه مذهبی-ملی برای حفظ وطن و انقلاب است، شعر جنگ می‌نامیم. شعر جنگ به لحاظ زمانی حد فاصل بین شروع تجاوز «دشمن» تا روز پذیرش «قطعنامه ۵۹۸» را در بر می‌گیرد.

شعر، در ایران پس از انقلاب ۱۳۵۷، تعریفی بازیافته دارد. پیشتر به این معنی در مکان‌های مختلف اشاره کرده‌ایم (۱) که شعر در دوران پس از انقلاب اسلامی، که از همان اوان پیروزی انقلاب آغاز می‌شود، تحولات عمیق را در عرصه صورت و محتوا تجربه کرد. بخشی از این تحولات و تغییرات، که در واقع، مبنای سایر تحولات نیز بود، مربوط به جایگزینی ایدئولوژی تازه به جای ایدئولوژی غالب گذشته بود. گفتمان عقیدتی تازه ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی، در عرصه شعر، یا خارج شدن خواسته و ناخواسته جریان شعری غالب (عمدتاً سپید و نو) و شاعران آن و جایگزینی جریان شعری جدید (کلاسیک و نوکلاسیک) و بازگشت به قالب‌های شعر سنتی و محتوای مرتبط با آن، ظهور یافت و اثر این ظهور، تغییر چهره‌ها، نظام و یافت و ترکیب صوری و محتوایی شعر سال ۵۷ به این سو شد.

جنگ در ذات خود پدیده‌ای سیاسی است اما توده مردم تا زمانی که زعما و بزرگان ملت با «دشمن» از در مذاکره در نیامده‌اند، اصولاً توجهی به این سرشت سیاسی ندارند. به نظر نگارنده مردم ایران پس از قبول قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران، به سرشت سیاسی جنگ توجه پیدا کردند. سروده‌هایی که از این زمان به بعد، با ویژگی تشویق و تکریم «دوست» و تحقیر و تهدید «دشمن» و همچنین انتقاد از خود و دیگران و انتقاد از برخی کارگردانان جنگ شکل گرفته و می‌گیرد به دوره سیاسی جنگ یعنی دوره دفاع مقدس تعلق دارد. (حسینی، ۱۳: ۱۳۸۱)

آغاز شعر جنگ نیز مانند سایر بخش‌های موضوعی شعر انقلاب، شعری است شعار زده، بی‌پروا و واجد موضوعاتی نظیر دفاع، حمله ایثار، شهادت، جانبازی، رشادت و... که با ایدئولوژی و گفتمان دفاع شرافتمندانه تا سرجان، در پیوند نزدیک قرار دارد. از حیث قالب نیز، شعر جنگ تحولی نسبت به شعر انقلاب ندارد و تکرار همان قالب‌های آغاز شده در شعر انقلاب (مثنوی، رباعی و دوبیتی، قصیده غزل و...) است و شعر نو سروده یا سپید سروده‌ای کمتر به چشم می‌آید.

با گذشت سالیانی از جنگ و عمیق‌تر شدن این حادثه تاریخی در بستر تاریخ انقلاب اسلامی، شعر جنگ جهت‌های تازه‌ای یافت و تقریباً تمامی پهنه گسترده شعر انقلاب اسلامی را به لحاظ موضوع، قالب و حجم در اختیار گرفت. دیگر در این دوران، شعر انقلاب به شعر جنگ تحویل شده بود و شعر جنگ، نماد عینی شعر انقلاب بود. کمتر سروده‌ای با مضمونی غیر از مضامین جنگی سروده می‌شد و کمتر عبارتی در شعر شاعران مطرح و غیر مطرح، به معانی‌ای غیر از این معانی اختصاص می‌یافت. (تقی دخت، ۱۳۸۵: ۲۴)

مسئله اصلی در این پژوهش به تصویر کشیدن مهم‌ترین حوزه‌های معنایی است که واژه‌های شعر دفاع مقدس به آن‌ها اختصاص دارد. با توجه به اهمیت واژگان در خلق آثار ادبی و به تصویر کشیدن مضامین، بررسی واژگانی شعر هر دوره یا شاعری، به خصوص با استفاده از پیکره‌ای نسبتاً وسیع، به خوبی می‌تواند مضامین اصلی مورد توجه آن شاعر یا دوره را بازنمایی کند. به طور کلی، مطالعات پیکره‌ای، با توجه به اینکه متکی بر متونی واقعی از زبان هستند، در بازنمایی دانش زبانی و شیوه تفکر اهل یک زبان از ارزش بالایی برخوردارند. پیکره مورد بررسی ما در این مطالعه بیست قطعه شعر دفاع مقدس از شاعران مختلف است.

اگرچه تحقیقات زیادی تا کنون در مورد شعر دفاع مقدس صورت گرفته، مضامین و درونمایه‌های آن مشخص گردیده و انواع آن طبقه‌بندی و توصیف شده اما تا آنجا که نگارندگان این مقاله اطلاع دارند، تا کنون مطالعه‌ای که از یک سو مبتنی بر پیکره‌ای واقعی و نسبتاً وسیع از شعر دفاع مقدس باشد و از سوی دیگر در چارچوب یک نظریه معناشناختی - زبان‌شناختی انجام شده باشد، صورت نگرفته است. این موضوع اهمیت این تحقیق را به خوبی نمایان می‌سازد.

این مقاله از چند بخش اصلی تشکیل شده است. پس از این مقدمه مختصر و بیان مسئله تحقیق، مفهوم ادبیات پایداری را شرح خواهیم داد و وجوه تفاوت آن را با شعر دفاع مقدس یا شعر جنگ بیان خواهیم کرد. آنگاه چارچوب نظری پژوهش را شرح می‌دهیم و سپس به داده‌ها و تحلیل آنها خواهیم پرداخت و سرانجام نیز نتیجه‌گیری نهایی مقاله را بیان خواهیم نمود.

۱- ادبیات پایداری

ادبیات پایداری عبارت است از آثاری که تحت تأثیر شرایطی چون اختناق و استبداد داخلی، نبود آزادی فردی و اجتماعی، قانون گریزی و قانون ستیزی با پایگاه‌های قدرت، غضب، قدرت و سرزمین و سرمایه‌های ملی و فردی و ... شکل می‌گیرند. بنابراین جان مایه این آثار با بیداد داخلی یا تجاوز بیرونی از همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ایستادگی در برابر جریان‌های ضد آزادی است.

ولی این مفهوم در انقلاب اسلامی ایران، با یک فاصله زمانی کوتاه - نوزده ماه جنگ تحمیلی آغاز شد با پذیرش قطعنامه در بیست و هفتم تیرماه ۱۳۶۷ توقف نسبی یافت، همراه با خود، جریان نیرومند فرهنگی در حوزه شعر،

قصه، نمایشنامه، نقاشی و ... را بوجود آورد که تجربه‌های تازه و بدیع در لابه‌لای شبکه عظیم فرهنگی آن با خود به همراه داشت. (سنگری، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۹)

سرشت انسان، بدی را بر نمی‌تابد، از این‌رو ناسازگاری خود را با بیداد و ناروا به اشکال مختلفی چون: اعتراض، پرخاش، ستیزه‌گری، رویارویی و مقابله نشان می‌دهد. اما آن‌هنگام که روح عناد با مظاهر زشتی و شر در کالبد کلمات دمیده می‌شود، ادب مقاومت جان می‌گیرد. به دیگر سخن، ادب مقاومت، تجلی ستیز با بدی و بیداد با سلاح «کلمه» است. بر این اساس از دیرباز انسان با این سلاح بُرا و کارآ به میدان آمده و پیروزیهای درخشانی را نیز رقم زده است. طنز، هجو (حتی هزل)، حبسیه‌ها، نمایش‌نامه‌ها، داستانها، سروده‌های روشنفکرانه و معترضانه همه و همه در این حوزه قرار می‌گیرند. برخی زمینه‌های پیدایی ادب مقاومت را در عوامل زیر باید جست‌وجو کرد:

- ۱- اختناق و استبداد داخلی و سلب آزادیهای فردی و اجتماعی.
- ۲- استعمار و استثمار قدیم و جدید.
- ۳- غصب قدرت، سرزمین و سرمایه‌های ملی و فردی.
- ۴- تجاوز به حریم ارزشهای فردی، دینی، اجتماعی، ملی و تاریخی.
- ۵- قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی پایگاه‌های قدرت.
- ۶- جریانهای دینی (مانند اسلام و مسیحیت و...) و غیردینی و مکتب‌های فکری، نظیر مارکسیسم و... (سنگری، همان: ۱۱)

ادبیات پایداری - و به تبع آن شعر پایداری - از ابتدای تکوین، تشکیل و تطور مدنیت و فرهنگ و شهرنشینی جوامع بشری وجود داشته و خواهد داشت. تشکیل حکومت‌های جابر، مستبد، سرکوبگر و قدرت‌طلب انگیزه‌ای نیرومند برای ایجاد و توسعه ادبیات پایداری در جهان بوده است. کشورهایی که - در طول تاریخ - با چنین حاکمیت‌هایی دست به گریبان بوده‌اند طبعاً ادبیاتی از این سنخ را بیشتر تولید کرده‌اند. بدین جهت مثلاً کشورهای آمریکای لاتین یا کشورهای آسیایی بیشتر از ممالک اروپایی و آمریکای مرکزی و کانادا ادبیات پایداری را تجربه کرده‌اند.

باید بدانیم «ادبیات جنگ» با «ادبیات پایداری» متفاوت است یا لااقل نسبت جزء به کل در این مورد مصداق دارد یعنی اینکه ادبیات جنگ یا شعر جنگ جزئی از ادبیات پایداری یا شعر پایداری است و یا اینکه در بعضی مواقع موقعیت‌ها متفاوت با آن. پایداری و مرافعه مقوله‌ای مقدس است و جنگ پدیده نامیمونی که بر ملت‌ها تحمیل می‌شود. (سجادی، ۱۳۹۰: ۴۷)

۱-۲ - وجوه تمایز شعر جنگ و شعر مقاومت و پایداری:
در شعر پایداری، شاعر مستقیماً به حوادث، عملیات و نام شهدا نمی‌پردازد بلکه با رویکردی عمیق‌تر، فلسفی‌تر و معاصرتر به موضوعی به نام «جنگ» نگاه می‌کند. در شعر مقاومت و پایداری رفتار شاعر با زبان، رفتاری «فراهنجاری» است. در حوزه شعر مقاومت و پایداری، نگاه شاعر فقط به جنگ تحمیلی هشت‌ساله متوقف نمی‌ماند بلکه پیام‌های انسانی این حادثه تاریخی را درونی می‌کند و به جهان ارائه می‌دهد.

شاعر در شعر پایداری به دنبال زبانی برای گفت و گو با همه مردم جهان است. مردمی که طعم تلخ جنگ را چشیده‌اند و مقاومت و پایداری را تجربه کرده‌اند.

در واقع شاعر در حوزه شعر پایداری، پیام‌های انسانی و فلسفی پدیده‌ای به نام «جنگ» را می‌گیرد و به آن‌ها تشخیص جهانی می‌بخشد. در شعر پایداری شاعر مقاومت و پایمردی انسان را در برابر ظلم، تجاوز، زیاده‌خواهی، و بی‌عدالتی به گونه‌ای به تصویر می‌کشد که همه مردم جهان با اسطوره‌ها و نمادهای شعر او احساس پیوستگی و همذات‌پنداری می‌کنند و از همین منظر تأثیرگذاری، نفوذ و ماندگاری این شعر، بیشتر از شعر جنگ است. (اسماعیلی، ۱۳۸۳: ۸۷)

- حسینی (۱۳۸۱) مهم‌ترین تفاوت‌های بین شعر دفاع مقدس و شعر جنگ را به ترتیب زیر توصیف می‌کند:
- ۱- شعر جنگ در وجه غالب خود، خودجوش و «بی غرض» است. بر شعر جنگ سایه «سکه» و «کنگره‌های سالانه» سنگینی نمی‌کند. شاعران شعرجنگ - خود بیابند - هرچه سروده‌اند، بدون تکلف و بدون توجه به «مأموریت‌های اداری» بوده است. هیچ شاعری در آن روزگار رباعی یا غزل نمی‌گفت تا «صدای دهه» خود باشد. این زمان برخی از جوانان را می‌بینیم که با چاپ یک مجموعه و تحت عنوان «سخن ناشر» خود را «صدای غزل» یا «صدای رباعی» دهه خویش معرفی می‌کنند!
 - ۲- اعتراض و هوشیاری نسبت به کجروی‌های داخلی و روند زراندوزی فرصت‌طلبان و «تاجران خون» در شعر جنگ کمتر دیده می‌شود. جنگ - علی القاعده - مقوله‌ای است حماسی و هدف اصلی - پیروزی بر مهاجمان - براق‌تر از آن است تا به نگاه‌ها محال دیدن دور و بر را بدهد. آن دسته از شاعرانی هم که زهرل اعتراض و شم دریافت کجروی‌ها را دارند، گفتنی‌های خود را به پس از جنگ ماکول می‌کنند و در آن اوضاع و احوال، صلاح نمی‌بینند تا زبان با اعتراض بگشایند. برخلاف شعر جنگ، شعر دفاع مقدس کم و بیش از این معنی سرشار است. شاعران به بهانه نجوا با شهیدان، از رنگ‌پریدگی ارزشها و کجروی‌های مرسوم گاه و بیگاه - تقلیدی و ابتکاری - پرده بر می‌دارند.
 - ۳- در شعر جنگ اسامی خاص مثل اسم افراد، مناطق جنگی یا اسم جنگ‌افزارها نسبت به شعر دوره دفاع مقدس کمتر است.
 - ۴- در شعر جنگ صنعت‌گری یا ساده است و یا اصولاً کمتر به چشم می‌آید مگر در مورد شاعرانی که پیشتر شاعرانگی طبع خویش را به ثبوت رسانیده‌اند. ذیل همین محور می‌توان گفت که خیال و عنصر پر رمز و راز خیال‌انگیزی در شعر جنگ پیچیده نیست چون واقعیت درشتناک جنگ از خیال شاعران رنگین‌تر است. اما در شعر دفاع مقدس می‌توان گفت خیل شاعران جوانتر که جنگ را از نزدیک ندیده‌اند و تصرشان از جنگ در گرو چند مستند تلویزیونی یا ویژه‌نامه مطبوعاتی است به پرو پای خیال می‌پیچند. این نسل‌گریزی از «تخیل» کردن جنگ ندارد و البته این تخیل گاه به وادی‌های صعب العبور تکلف هم می‌کشد.
 - ۵- در شعر جنگ لحن یأس و ناامیدی و روایت شکست‌های مقطعی نیست یا اگر هست با وعده پیروزی نهایی توأم و عجین است. اما صبغه آشکار شعر دفاع مقدس نوعی یأس و دل‌گرفتگی و گاه ناامیدی است که گهگاه با بارقه‌های حماسی استتار می‌شود.
 - ۶- در شعر جنگ «من فردی» شاعر جای خود را به «من جمعی» می‌دهد. فردیت شاعر در مابقی رزمندگان و حامیان نبرد تا سر حد امکان حل و کمرنگ شده است. همین امر باعث می‌شود تا کمتر دنیای درونی شاعر با واقعیت‌های بیرونی جنگ هم‌آغوشی کند. یکی از دلایل این امر همان رنگین‌تر بودن واقعیت جنگ از خیال شاعران است. از این رو می‌توان شعر دوره جنگ را که بی‌شباهت به نوعی «محاکات» نیست به گرایش کلاسیسم نسبت داد و شعر دوره دفاع مقدس را به گرایش رمانتیسم. شعری که در آن «من فردی» حضور به هم می‌رساند و خیال، مجال بال‌گستری بیشتری می‌یابد.

چارچوب نظری:

معناشناسی مطالعه علمی معنا در زبان است. معنی‌شناسی بخشی از زبان‌شناسی است و در کنار بخش‌های دیگر زبان‌شناسی که به مطالعه سطوح مختلف زبان می‌پردازند مانند آواشناسی، واج‌شناسی، ساخت واژه و نحو و نیز کاربردشناسی، به سطح معنایی زبان می‌پردازد.

از دیرباز، فلاسفه، منطقیون و زبان‌شناسان به مطالعه «معنی» توجه داشته‌اند. به همین دلیل، در سنت مطالعه معنی می‌توان معنی‌شناسی را به سه شاخه عمده تقسیم کرد و سه گونه معنی‌شناسی را از یکدیگر متمایز ساخت: معنی‌شناسی فلسفی، معنی‌شناسی منطقی و معنی‌شناسی زبانی.

معنی‌شناسی زبانی، شاخه‌ای است که ما در مطالعات زبانی به آن توجه داریم. این گونه معنی‌شناسی بخشی از دانش زبان‌شناسی به شمار می‌رود و از اصطلاح *semantique* فرانسه نشأت می‌گیرد که برای نخستین بار از سوی برآل^۱ معرفی شد. در معنی‌شناسی زبانی توجه معطوف به خود زبان است و معنی‌شناسی با مطالعه معنی به دنبال کشف چگونگی عملکرد ذهن انسان در درک معنی از طریق زبان است و در اصل بازنمودهای ذهن انسان در درک معنی از طریق زبان است و در اصل بازنمودهای ذهن آدمی را باز می‌کاود. (صفوی، ۱۳۸۷: ۲۸)

از میان نظریه‌ها و رویکردهای مختلف به مطالعه معنای زبانی، پژوهش حاضر در چارچوب معنی‌شناسی واژگانی یا معنی‌شناسی ساختگرا صورت می‌گیرد به همین دلیل این نظریه را با تفصیل بیشتری شرح می‌دهیم.

معناشناسی واژگانی یا معنی‌شناسی ساختگرا

بر اساس نظریه ساختگرایی، هر زبانی نظام خاص خود را داراست و هر واحد زبانی، نقطه‌ای از این نظام را به خود اختصاص می‌دهد و جایگاه آن از طریق روابطش با واحدهای دیگر آن نظام زبانی روشن می‌شود (لاینز، ۱۹۷۷: ۲۳۱ - ۲۳۳)

مفاهیم کلیدی مکتب ساختگرایی، ساخت^۲ و رابطه است. در این مکتب رویکردهای مهم و بنیادی نیز مطرحند مانند: تحلیل مؤلفه‌ای^۳، حوزه‌های معنایی^۴ (یا حوزه‌های واژگانی)، معناشناسی رابطه‌ای و مفروضات معنا^۵.

گاهی به دلایل تاریخی معناشناسی ساختگرا، معناشناسی واژگانی^۶ نامیده شده است. در حالی که معناشناسی ساختگرا وسیع‌تر از معناشناسی واژگانی است. در دهه‌های گذشته معناشناسی نسبت به حوزه‌های دیگر از محدودیت بیشتری برخوردار بوده است و به طور کلی در انواع مکاتب ساختگرایی کمتر به معنا پرداخته می‌شده است این در حالی است که امروزه معناشناسی ساختگرا به اندازه آواشناسی ساختگرایی و ساختواژه ساختگرایی حائز اهمیت است. البته لازم به ذکر است که در ساختگرایی سوسوری هرگز معنا کنار گذاشته نشده است. (لاینز ۱۹۷۷، ص ۲۳۱، نقل از صناعی، ۱۳۸۶: ۱۰۵)

سعید (۱۹۹۷) برای معناشناسی ساختگرا یا واژگانی دو هدف عمده در نظر می‌گیرد:

- ۱- نشان دادن معنای هر واژه در زبان
- ۲- به تصویر کشیدن نحوه ارتباط معنای واژه‌های زبانی با یکدیگر. (سعید، ۱۹۹۷: ۵۳)

نظریه حوزه معنایی

حوزه معنایی در واقع متشکل از تعدادی واژه است که ارتباط معنایی تنگاتنگی با هم دارند. این واژه‌ها را می‌توان همگی تحت یک اصطلاح یا واژه واحد یا اصطلاح پوششی آورد مثلاً رنگ‌واژه‌هایی مثل قرمز، آبی، سبز، سفید، زرد و غیره، همگی تحت با اصطلاح پوششی «رنگ» مطرح می‌شوند.

در رویکرد حوزه معنایی، هدف، جمع کردن تمام واژه‌های یک حوزه در کنار هم و به تصویر کشیدن ارتباط آنها با هم و با خود اصطلاح پوششی است.

رویکرد حوزه‌ای، مدل خوبی است برای اینکه هنگام بررسی مجموعه‌ای از واژه‌های بسیار مرتبط معنایی، واژه یا

۱- Breal

۲- structure

۳- componential analysis

۴- semantic fields

۵- meaning-postulates

۶- lexical semantics

مفهومی را جستجو یا توصیف کنیم. لازم نیست در بررسی مجموعه‌ها، مقوله‌های حاشیه‌ای را کنار بگذاریم، بلکه این رویکرد این امکان را به ما می‌دهد تا هر لحظه این موارد را نیز به مجموعه بیفزاییم بدون اینکه لازم باشد تمام واژگان پایه دوباره سازمان‌بندی شوطبق رویکرد حوزه‌های معنایی، واژگان زبان ساختمان است، همان طور که دستور و واج‌شناسی دارای نظام هستند. واژه‌های زبان را می‌توان به مجموعه‌هایی طبقه‌بندی کرد که به حوزه‌های مفهومی مربوطند. گسترش نظریه‌های حوزه‌ای ریشه در آثار زبان‌شناسان آلمانی (حدود نیم قرن پیش) و مردم‌شناسان آمریکایی دارد، که این هر دو گروه تحت تأثیر افکار و دانش هومبولت، بواس^۱، ساپیر^۲ و سوسور بودند. در میان زبان‌شناسان آلمانی، کارهای تریر بسیار مهم و مؤثر بود. وی بین حوزه‌های واژگانی و مفهومی تمایز قائل شد و معتقد بود حوزه واژگانی^۳، حوزه مفهومی^۴ را به بخش‌هایی تقسیم می‌کند و یک واژه معنایی خود را از تقابلهش با واژه‌های مجاور در یک الگو به دست می‌آورد. (صناعتی، ۱۳۸۶: ۱۳۰)

تعریف حوزه از نظر تریر چنین است: حوزه‌ها، واقعیت‌های موجود بین واژه‌های منفرد و کل فهرست واژه‌ها هستند و همچون اجزایی در برابر یک کل عمل می‌کنند و با کمک واژه‌ها ساختار بزرگتری را می‌سازند. از آنجایی که مجموعه واژه‌ها در هر نظام زبانی دربرگیرنده حوزه مفهومی خاص خود است و همچنین به دلیل روابط معنایی حاکم بین واژه‌ها، آن مجموعه از ساختاری تشکیل می‌شود که حوزه واژگانی نام دارد. از سوی دیگر، هر واژه، حیطة مفهومی خاصی را پوشش می‌دهد که ممکن است با کمک مجموعه دیگری از واژه‌ها به عنوان یک حوزه سازمان‌بندی شود. بنابراین مفهوم یک واژه، حیطة مفهومی محسوب می‌شود که درون یک حوزه مفهومی قرار می‌گیرد؛ و همان حیطة مفهومی که با یک واژه و همزمان با معنی آن متصل است یک مفهوم در نظر گرفته می‌شود. (صناعتی، همان)

نتیجه‌گیری:

در پژوهش حاضر با توجه به اینکه هدف طبقه‌بندی واژگان شعر دفاع مقدس در یکی از محورهای موضوعی اصلی بوده است، برای این طبقه‌بندی به تناسب پیکره مورد بررسی و بر اساس دو الگوی موجود (نعمت‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰ و شبکه واژگانی دانشگاه پریستون برای اسم) چهارده موضوع یا حوزه معنایی اصلی را برگزیدیم و اسم‌های موجود در پیکره را بر اساس این چهارده موضوع، تقسیم‌بندی معنایی نمودیم. به عبارت دیگر، الگوی تحلیل و طبقه‌بندی ما در پژوهش حاضر، متشکل از چهارده محور معنایی است که واژگان مختلف را در قالب آن‌ها طبقه‌بندی نموده‌ایم. این چهارده محور عبارتند از ۱- زمان ۲- مکان ۳- مفاهیم شناختی ۴- خوراکی ۵- حیوان/ جانور ۶- طبیعت/ گیاهان ۷- کمیت ۸- کیفیت ۹- بدن ۱۰- خانواده ۱۱- احساس ۱۲- ماده ۱۳- رویداد ۱۴- دین.

واژگان مورد بررسی ما متعلق به چهار مقوله دستوری اسم، فعل، صفت و قید هستند. معیارهای اختصاص دادن هر واژه به هر یک از این چهارده محور، متشکل از هم‌معنایی و ارتباط معنایی بوده است.

نتایج تحلیل نشان داد که واژه‌های مربوط به حوزه‌های معنایی مفاهیم شناختی، احساس، دین، رویداد و ماده می‌باشد. به نظر می‌رسد که در شعر دفاع مقدس واژگانی که بیشترین کاربرد را دارند از میان حوزه‌های معنایی چهارده‌گانه مورد بررسی بیشتر از آنچه به ممکن است در نگاه اول به نظر برسد، به مقولاتی چون طبیعت، بدن و اجزای آن یا خانواده و فرد نپرداخته‌اند بلکه عمدتاً مفاهیم شناختی و نیز احساسی از بالاترین بسامد برخوردار بوده‌اند.

۱- Boas

۲- Sapir

۳- lexical field

۴- conceptual field

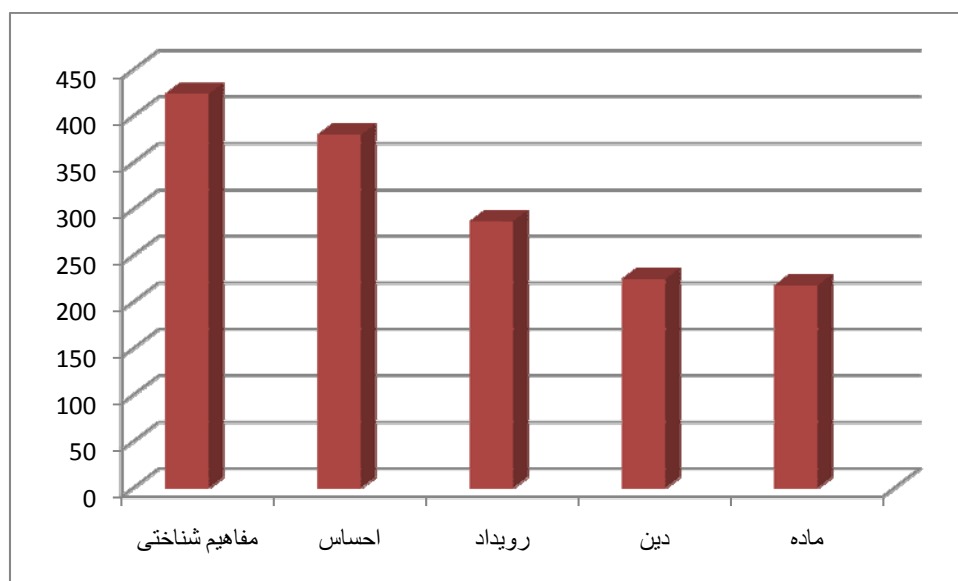
۵- area

عنوان شعر جنگ را می‌توان به اشعاری اطلاق کرد که به صورت مستقیم و بدون ارجاع به گزاره‌های هنری و زیباشناختی، به حادثه‌ای به نام «جنگ تحمیلی» می‌پردازد. در این ژانر شاعر بیشتر «معنا- محور» است و شعر او «معنا- بنیاد»؛ از همین رو شاعر در سطح پدیده‌ها متوقف می‌شود و با زبانی شعاری و مستقیم به روایت جنگ و فراز و نشیب‌های آن می‌نشیند. بیشتر این اشعار نیز از بار عاطفی و احساسی قوی برخوردارند و مخاطب عام را ناخودآگاه تحت تأثیر قرار می‌دهند. در این ژانر ادبی، شاعر بیشتر به کارکرد تاریخی و اجتماعی شعر نظر دارد و هدف او پیام‌رسانی و ابلاغ آموزه‌های دینی- حماسی به مخاطبان است. (غیائی راد و ذبیحی، ۱۳۸۹، ادبیات پایداری در شعر جنگ، مشاهده در تاریخ ۲۹ آذر ۱۳۹۲ از سایت جامع دفاع مقدس استان کرمان.)

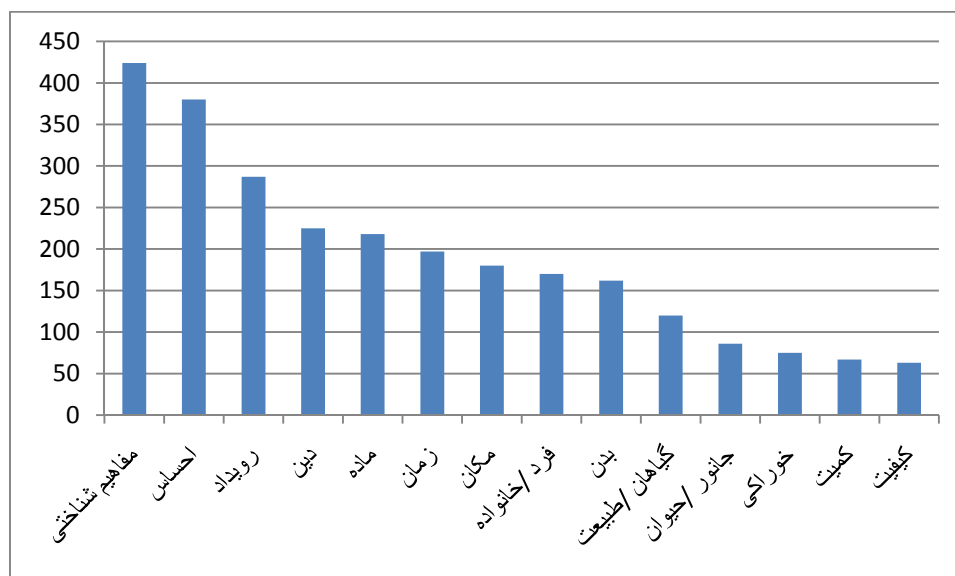
نتایج به دست آمده از این مطالعه نیز نشان می‌دهد که شعر دفاع مقدس ما از نظر مضامین، شعری معنوی به حساب می‌آید و کمتر به مسأله‌های جسمی و کشته شدن یا قطع اجزای بدن و به طور کلی آنچه به جهان جسمی و فیزیک مربوط می‌شود، و معمولاً در ادبیات جنگ انتظار می‌رود منعکس شده باشد، می‌پردازد و عمدتاً به پدیده‌های والای مربوط به فرآیندهای شناختی و معنوی توجه نشان داده است یعنی از زبان برای بیان ارزشهای والای روحی استفاده نموده است. کم بودن واژه‌های مربوط به حوزه معنایی بدن و اجزای آن بیانگر همین مسأله است. مفاهیمی چون شهادت، ایثار، از جان گذشتگی، ملکوت، دیدار پروردگار، رضایت معبود، آسمانی بودن و واژه‌های مرتبط با آنها، از مهمترین مضامین بیان شده در این شعرند و واژه‌هایی چون شهادت، ایثار، آسمانی، حمیت، روشنایی، دانایی، مهر و عاشقی نیز پربسامدترین واژه‌ها در پیکره مورد بررسی ما بوده‌اند. بعد از حوزه‌های مفاهیم شناختی و احساس، پربسامدترین حوزه‌ها به ترتیب عبارت بودند از رویداد (رخداد)، دین و ماده (شیء). این نشان می‌دهد که حتی مضامین دینی نیز در پیکره مورد بررسی ما از شعر دفاع مقدس، به اندازه موضوعات شناختی پرکاربرد نبوده‌اند.

همانگونه که در نمودارهای زیر مشاهده می‌شود بیشترین واژه‌های به کار رفته در پیکره مورد بررسی، به حوزه معنایی مفاهیم شناختی تعلق دارند (۴۲۴ واژه) و پس از آن به ترتیب حوزه‌های معنایی احساس (۳۸۰ واژه)، رویداد (۲۸۷ واژه)، دین (۲۲۵ واژه)، ماده (۲۱۸ واژه)، زمان (۱۹۷ واژه)، مکان (۱۸۰ واژه)، خانواده (۱۷۰ واژه)، بدن (۱۶۲ واژه)، گیاهان/ طبیعت (۱۲۰ واژه)، جانور/ حیوان (۸۶۹ واژه)، خوراکی (۷۵ واژه)، کمیت (۶۷ واژه)، کیفیت (۶۳ واژه) تعلق دارند.

نمودار ۱- پرواژه‌ترین حوزه‌های معنایی



نمودار ۲- میزان کاربرد واژه‌ها در هر یک از حوزه‌های معنایی چهارده‌گانه



فهرست منابع:

- ۱- اسماعیلی، رضا، ۱۳۸۳، شعر، شماره ۳۹ (صص ۸۳-۸۷).
- ۲- حسینی، حسن، ۱۳۶۰، هم‌صد با خلق اسماعیل، انتشارات انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، سوره مهر.
- ۳- حسینی، حسن، ۱۳۸۱، گزیده شعر جنگ و دفاع مقدس، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، سوره مهر.
- ۴- کاکایی، عبدالجبار، ۱۳۸۰، بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان، انتشارات پالیزان.
- ۵- سنگری، محمدرضا، ۱۳۸۰، ج ۱ و ۳ نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس، چاپ اول، انتشارات پالیزان.
- ۶- غیائی راد و ذبیحی، ۱۳۸۹، ادبیات پایداری در شعر جنگ، مشاهده در تاریخ ۲۹ آذر ۱۳۹۲ از سایت جامع دفاع مقدس استان کرمان.
- ۷- صنعتی، مرضیه، ۱۳۸۶، رساله دکترای زبانشناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۸- صفوی، کوروش، ۱۳۸۷، درآمدی بر معنی‌شناسی، انتشارات سوره مهر.
- ۹- نعمت زاده و همکاران، واژگان پایه فارسی از زبان کودکان ایرانی، ۱۳۹۰، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- ۱۰- Saeed, John, I, ۱۹۹۷, *Semantics*, Blackwell.
- ۱۱- Lyons, John, ۱۹۷۷, *Semantics*, Cambridge University Press.